

برایتان هدایت به بهترین و درست ترین راهها ، از خداوند آروز مندم . منم نظیر بسیاری از ایرانیان ، از رادیو ها . . . شنیدم که شما نیز بعد از ۱۵ سال به سکوت مخالفت آمیز خود با رژیم جنایتکار حاکم بر ایران پایان داده و به صف مخالفین معترض پیوسته اید . از این حرکت شما نظیر دیگر عناصر صادقی که دلشان بخاطر ستمی که به مردم ایران میشود ، خون است ، و کسانی که برآستی برای آزادی مردم ایران درحد توان به مبارزه بر علیه ظلم و ستم و تباهی ملا های مرتجع به پا خاسته اند ، خوشحال شدم ، ولی متأسفانه هر چند حرکت شما در مخالفت علنی با رژیم ملا ها با تفکرات قرون وسطانی ، میتواند باعث خوشحالی دلسوختگان و مبارزین راستین باشد ، اما متأسفانه پیوستنتان به " شورای ملی مقاومت " که هیچ دست کمی از ملا های مرتجع ندارند ، باعث تأسف و اندوه فراوان است . بنظر میرسد بر طبق برنامه مدون مغز شونی این سیستم ارتجاعی ، شما را در يك جو همه جانبه تبلیغاتی قرار داده اند ، تا بتوانند به نتایج مورد نظر یعنی همکاری با آنها تن دهید . و به نتیجه نیز رسیده اند ، آنطور که مشخص است این تبلیغات بقدری زیاد و مؤثر بوده که وقتی مسئول " شورا . . ." عضویت افتخاری به شما اعطا !! میکند شما در زیر ورقه عضویت کامل خود را اعلام میدارید . و یا در ملاقات با مریم قجر عضدانلو ، کاندیدای ریاست جمهوری " شورای ملی مقاومت " انگشت بر یکی از نا پسندیده ترین حرکتهای زندگیش گذاشته و آنرا مورد ستایش قرار دادید ، شما طلاق مریم قجر عضدانلو از مهدی ابریشم چی با يك بچه که هردو (زن وشوهر) بنا به اظهار خودشان ، (منعکس در نشریه " مجاهد ") همنیگر را دوست داشته و زندگی زناشوییشان " در منتهای سازگاری عقیدتی ، سیاسی و اخلاقی " بوده ، به دستور مسئول " شورا . . ." از یکدیگر جدا میشوند ، تا خانم قجر عضدانلو را به عقد و ازدواج خود درآورد و در این کار آنقدر عجله داشته ، که با تمام ادعای اعتقاد به اسلام و شعائر آن ، بدون اینکه اجازه دهد و منتظر دوران تعیین شده جدائی مریم خانم از شوهرش شود ، بلافاصله ایشان را به عقد خود در میآورد ، آنها تحت این استدلال مضحك و سخیف و بچه گانه توجه کنید " لازمه فعلیت یافتن و تمام عیار ترکیب نوین رهبری . . . لاجرم زوجیت و محرمیت آنها را با یکدیگر ایجاب میکند . . . ، بدون يك چنین یگانگی در بالاترین نقطه ی منحصر به فرد رهبری ، هیچ يك از طرفین بطور کامل قادر به انجام وظایف خطیر رهبری نخواهند بود .

بعبارت دیگر دو گانگی تشکیلاتی و خانوادگی بین مریم و مسعود در رأس رهبری سازمان . . . در عمل به درجات زیادی به معنی صوری کردن و عاری از محتوی نمودن نقش همدریف مسئول اول سازمان میباشد و اینهم یعنی قائل شدن يك نقش عمدتا تشریفاتی برای مریم در کنار مسعود . . . ، از سوی دیگر فعلیت یافتن ترکیب نوین رهبری ما را تا حدود زیادی ناقص و چه بسا نا میسر میسازد " (مجاهد ۲۴۱ مورخ فروردین ۶۴) ، ولی با کمال تأسف شما این عمل ناپسند و خلاف سنن پسندیده و درست جامعه ، مریم خانم و ابریشمچی ومسئول شورا را شجاعانه ترین !! کاریکه طی هزاران سال گذشته سابقه نداشته ، نامیدید . و اسفاً ، باید با شما هم صدا شد و گفت واقعا يك چنین بی حرمتی به واحد خانواده ، در طول تاریخ بسیار کم و نادر است ، چرا که يك زندگی زناشویی " درمنتهای سازگاری " و علاقه را متلاشی میکنیم ، تا يك زندگی بدون علاقه و تشکیلاتی بوجود آوریم ، که چه ؟ علی الظاهر تنها بخاطر فعلیت یافتن ترکیب تمام عیار نوین رهبری ! ! و جلوگیری از دو گانگی تشکیلاتی ، صادقانه بگوئید ، به فرض اگر واقعا آنچه گفته شده درست باشد ، دلیل مسخره ای نیست ؟ . . .

(در اینجا جمله معترضه ای دارم که بعرضتان میرسانم ، با توجه به استدلال بچه گانه بالا ، مدتی که خانم فهیمه اروانی ، در رأس سازمان قرار گرفته بود (قبل از انحلال دفاترشان در خارج کشور) و دارای همسر وفرزند میباشد ، و با اینکه مسئول شورا هم چنان مریم خانم را در عقد خود دارد ، تکلیف " دو گانگی تشکیلاتی و مسئله محرمیت رادر رهبری " سازمان چگونه حل کردند ؟ لطفاً میتوانید این مسئله را سؤال کرده و مرا نیز مطلع نمایند) .

بحث بر سر این بود که شما بالاخره سکوتتان را در رابطه با ارتجاع جنایتکار حاکم بر ایران شکسته اید ، ولی متأسفانه بجای پیوستن به صف مردم ، به سیستم و جریانی ملحق شدید که هیچ تفاوت کیفی و ماهیتی با ارتجاع با تفکرات قرون وسطانی ، ملا ها ندارد . باید بگویم ، از سال ۱۳۶۱ بخاطر توجه به انحرافات مسئول شورا از اصول و ضوابط انقلابی سازمان ، بشدت با آن به مخالفت بر خاسته و تلاش کردم تا با آگاه کردن سطح سازمان مانع از وارد شدن ضربات مهلك تری به سازمان و به جنبش به حق مردمان ، توسط رژیم ارتجاعی خمینی معدوم شوم . ولی متأسفانه ، مسئول شورا توجهی به تمام تذکرات خیر خواهانه و بحق منتقدین درون و بیرون سازمانی نکرد و با در دست داشتن اهرم های سازمانی هم چنان به انحرافات آگاهانه خود ادامه داد که نتایج آنرا شما میتوانید در وابستگی تا مغز استخوان به حکومت فاشیست عراق که هیچ دست کمی از رژیم ایران ندارد ، ملاحظه کنید و در این رابطه تا جانی پیش رفته که به عنوان يك عامل (جاش) حکومت عراق ، در سرکوب و کشتار کردان عراقی ، همراه با سربازان صدام فعالانه شرکت نمودند . يك مقام بلند پایه امریکائی میگوید " صدام ، مجاهدین را وفا دار تر از بعضی افراد ارتش بخودش می بیند " ملاحظه میکنید . در این رابطه توجه شما را به گزارش پیوست این نامه تحت عنوان " با روشهای نوین مسعود رجوی ، برای رسیدن به هدف هر وسیله ای قابل توجیه است " که

به قلم غلامحسین شیرعلی ، عضو سابق سازمان مجاهدین است ، جلب مینمایم . باید اضافه کنم ، همسر وی " گرته " و خارجی میباشد ، که مدتها با " شورای ملی مقاومت " همکاری میکرد ، که او نیز پس از اینکه متوجه شد ، این گروه بیک فرقه وسکت تبدیل شده ، از همکاری با آنها خود داری کرد و هم اکنون با همسرش در نروژ میباشند

باید اضافه کنم " شورای ملی مقاومت " علاوه بر وابستگی تمام عیار به رژیم های ارتجاعی منطقه ، در " جلب و جذب " امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی با رژیم جنایتکار حاکم بر ایران مسابقه گذاشته ، که شاهد بودید ، در این مسابقه ارتجاع غالب ، توانست با دادن امتیازات بیشتری از کیسه خلق ستمدیده مان ، بر حریفش ، ارتجاع مغلوب (" شورای ملی مقاومت ") پیروز شود که نتیجه آن " گزارش مغرضانه و سخیف وزارت خارجه امریکا " ! ! بر علیه کسانی بود که بخاطر همکاریشان با دشمن در جنگ با ملت ما ، از جانب خلقمان طرد و منزوی شده اند لذا از ملت " بریده " و دست بدامن امریکا شده ، که شما به تازگی همکاری با این گروه جیره بگیر صدام را شروع کرده اید و یا همکاری با " موساد " سازمان جاسوسی صهیونیستهای فلسطین اشغال شده است ، لوموند گزارشی در ۲۰ اکتبر ۱۹۹۴ ، در این باره (آلت فعل شدن مسئولین شورای ملی مقاومت توسط موساد در استرالیا) ، نوشته که توجه شما را بدان جلب میکنم . . . (فتوکپی پیوست است) .

خلاصه انحرافات آگاهانه مسئولین " شورای ملی مقاومت " بسیار است ، ملاحظه میکنید ، بجای تکیه به مردم ستمدیده ایران ، که قبلاً بخاطر باز گو کردن آمال و آرزوهای بحق آنان و تلاش برای انجام آنها ، از حمایت و پشتیبانیشان برخوردار بودند ، ولی حالا به جلب و جذب نمایندگان پارلمانهای اروپا ، سنا ، کنگره و حاکمیت امریکا دل بسته اند ، که شاهد بودیم ، غیر از خفت و خواری ، نتیجه دیگری برایشان به بار نیآورد .

انحرافات آگاهانه و شکستهای پیاپی طرحهای مسئول " شورای ملی مقاومت " ، در مبارزه با رژیم ارتجاعی از طرفی و جاه طلبی ها و بی توجهی اش به تذکرات بحق منتقدین عضو سازمان ، باعث شد که اعضا و هواداران با قاطعیت بیشتری در رابطه با انحرافات وی بایستند و انتقاداتشان را بیان نمایند ، ولی او با سؤ استفاده از موضع سازمانیش به شکنجه و زندانی نمودن مخالفین درون گروهی خود پرداخت که به پیوست تعدادی از این گزارشات ، که مربوط به زندانیان ، زندانها ، شکنجه گاهها و زندانبانان و شکنجه گران و بازجویان (که یکی از این سر بازوها همین اسمعیل وفا یغمائی میباشد ، که رئیس دفترشما است . میتوانید برای اطلاع بیشتر به صفحه ۱۰ جزوه پیوست " بروز ماهیت خمینی گونه اپورتونیستهای راست منحط ، با گزارشی از زندانهای رجوی " که در فروردین سال ۶۵ منتشر شده ، مراجعه نمائید ، نام ایشان جزو یازده سربازجوهای " شورای ملی مقاومت " ذکر شده .) میباشد ، طبق لیست پیوست ، اسنادی با پست سفارشی برایتان ارسال میدارم ، تا آگاه شوید ، با چه سیستم ارتجاعی و ناقض ابتدائی ترین حقوق بشر و غیر دمکراتیکی شروع به همکاری نموده اید ، بدون شك اگر بتوانم این مدارك را بدست شما برسانم ، و بگذارند تا شما آنها را مطالعه نمائید ، سیل تهمت و افترا و فحش است ، که نظیر این ده سال ، از جانب مسئولین " شورای ملی مقاومت " به سمت نویسنده این نامه ، سرازیر خواهد شد ، شاید بتوانند اثرات گوشه ای از حقایق را که برایتان ارسال شده ، از ذهنتان پاک کنند . لذا جهت ابراز حقایق بیشتر و آگاهی عمیق تر شما ، حاضرمد مدارك و اسناد موثق ، در رابطه با سیستم غیر دمکراتیک و ناقض حقوق بشر و زندانها و شکنجه گاههای . . . این فرقه را ، در هر کجا که بخواهید و در حضور حقوقدانان و نمایندگان مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر و وکلا و عناصر سیاسی و رسانه های خبری ، ارائه دهم ، تا صحت مطالب برای شما و دیگران نیز عیان و آشکار شود ، باید اضافه کنم ، یکی از مسائلی که طی مبارزه ۱۳ ساله (از سال ۱۳۶۱) خود با این سکت ارتجاعی مطرح میکردم و انتقاد داشتم ، همین موردی است که اخیراً ، سازمان غیر دولتی " نظارت بر حقوق بشر خاور میانه " شعبه نیویورک در امریکا ، از مسئول " شورای ملی مقاومت " خواسته ، این سازمان طی نامه ۶ اکتبر ۹۴ از ایشان درخواست کرده تا وسائل بازدید نمایندگان آن سازمان را از زندانها و شکنجه گاههایشان ، در عراق را فراهم آورد ، که تا کنون ایشان از دادن پاسخ مثبت بدان ، به بهانه های خمینی گونه ، خود داری کرده است .

باید اضافه کنم ، ابریشمچی وزیر کمیسیون صلح کابینه " شورای ملی مقاومت " در يك سخنرانی در شهر کلن آلمان ، پذیرفته که عده ای از هواداران " شورای ملی مقاومت " را در عراق زندانی کرده اند ، میتوانید به گزارش کیهان لندن مورخ ۲۶ اسفند ۷۲ ، مراجعه کنید علاوه بر ایشان ، خانم فریبا هشترودی عضو دیگر " شورای ملی مقاومت " در نامه سرگشاده خود به " دیدبانان حقوق بشر " که در نشریه ایرانزمین (ارگان رسمی شورا) شماره ۲۴ مورخ ۱۲ آبان ۷۳ ، درج شده (پیوست میباشد) ، رسماً کسانی را که به حمایت از زندانیان و شکنجه شدگان ، توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت " بر خاسته اند ، تهدید نموده و نوشته اند حقشان را کف دستشان میگنارم ، توجه کنید" ولی امیدوارم روزی حق آن وکلا و مدافعان با شرف را هم ، که از این دلسوختگان سؤ استفاده میکنند تا آنها را بازیچه دیدبانان و همپالگهایشان کنند ، کف دستشان بگذارم ، سر آخر هم تکرار میکنم و زیر آن امضا میگنارم " . ملاحظه میکنید با چه صراحتی ، مدافعان شکنجه شدگان را تهدید کرده و زیر تهدیدش نیز امضا هم گذارده ، باید بگویم ایشان با وقاحت بیشتری ، حتماً با تکیه به حمایتها و پشتیبانی کشورهای امپریالیستی و ارتجاع منطقه است ، که با همین صراحت بر ادامه زندانی و شکنجه کردن مجاهدین تأیید گذاشته و تا کید نموده است ، دقت کنید " به کوری چشم دیدبانان ما ، تمامی مقاومت ایران و هزاران هزار رزمنده مازوخیست آن ، باتمام

قوا به این اعمال زشت ادامه خواهیم داد.

علاوه بر موارد بالا، بعد از اینکه مسئول " شورای ملی مقاومت " با درخواست " میدل ایست وچ " (سازمان نظارت بر حقوق بشر خاور میانه) ، مخالفت نمود و منکر زندانی و شکنجه کردن مجاهدین شد، ۱۴ تن از اعضای سازمان مجاهدین، طی اطلاعیه ای با امضا و دو آدرس و یک شماره فاکس و تلفن، به سازمانهای مدافع حقوق بشر، مطبوعات و رسانه های خبری، اعلام نمودند، که آماده اند تا بطور زنده و مستقیم با آنها مصاحبه شود، تا در باره دادگاهها، زندانها، شکنجه گاهها، آدرس خانه های امن در شهر بغداد، و زندانیان و شکنجه شدگان و افشای نام بازجویان، زندانبانان، شکنجه گران، چماقداران چه در عراق و چه در سطح اروپا اقدام نمایند. . . (اطلاعیه پیوست است) . ولی مسئولین " شورای ملی مقاومت " برای جلوگیری از افشای موارد بالا، هم چنان از قبول درخواست سازمان مذکور، با گذاردن شرط و شروط، خود داری مینمایند. در همین جا از شما میخواهم تا از همکاران جدیدتان بخواهید تا یک جلسه عمومی متشکل از حقوقدانان، نمایندگان مجامع بین المللی، خبر نگاران روزنامه ها و تلویزیونها و شخصیتهای سیاسی . . . تشکیل داده تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد

البته ممکن است " شورانیون " ادعا نمایند، که این افراد وابسته به رژیم آخوندی هستند " و این مسئولیت ما نیست برایشان تریبون فراهم کنیم " در جواب باید گفت، اگر ریگی به کفش ندارند، و هنوز کمی صداقت درشان موجود است، باید از این پیشنهاد استقبال نمایند، چراکه میتوانند با تشکیل چنین جلسه ای، مشت عناصر باصطلاح دروغگوی وابسته به رژیم !! را در برابر همه باز و رژیم جنایتکار حاکم بر ایران را یکبار دیگر مفتضح تر نمایند لذا جای هیچ گونه ترس نه تنها باقی نمی ماند، بلکه با باصطلاح افشای دروغجویان، از یک اتهام به این مهمی (زندان و شکنجه کردن مخالفین درون گروهی و سرکوب مخالفین برون گروهی با چماقدارانشان) مبرا میشوند.

البته مسائل بسیارند و متأسفانه نامه به درازا کشید، چون بقدر کافی اسناد و مدارک پیوست، روشن و گویاست که احتیاجی به توضیح اضافی ندارد، چنانچه آنها را با دقت مطالعه کنید، بخوبی و بسرعت پی به ماهیت این فرقه ارتجاعی، ضد آزادی و ناقض ابتدائی ترین حقوق بشر را که با آنها مشغول به همکاری هستید، خواهید شناخت.

درخاتمه چند سؤال دارم که برایتان مینویسم تا از همکاران جدیدتان به پرسید تا شناخت بیشتری به ماهیت آنان پیدا کنید

۱- مریم قجر عضدانلو کاندیدای ریاست جمهوری " شورای ملی مقاومت "، در این سمت، چه مسئولیتی و یا اختیاری دارد (بر طبق مفاد اساسنامه و نظامنامه شورای ملی مقاومت) ؟ پاسخ هیچ، چرا که تمام اختیارات و مسئولیتها اعم از شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی، کلاً نظیر ولی فقیه تمامادار اختیار مسئول " شورای ملی مقاومت " میباشد و زن ایشان (مریم قجر عضدانلو) جزء یک دکور و بازچه در دست مسئول " شورا . . ." چیز دیگری نیست، که برای گول زدن خانمها فقط مصرف خارجی دارد.

۲- آیا مسئول " شورا . . ." (بر طبق نظامنامه)، مقامش مادام العمری است، هم چنین نخست وزیری ایشان، نظیر خمینی ملعون و معدوم، یا انتخابی است ؟ با توجه به اینکه ایشان بیش از ۱۳ سال است که مسئول " شورا . . ." میباشد، تا کنون چند بار برای ریاستشان در شورا رأی گرفته شده پاسخ، مقام وی مادام العمری است و تا کنون برای انتخاب ایشان رأی گیری بعمل نیامده، و در این باره هیچ موردی در نظامنامه منعکس نمیشد، و بدین خاطر است که صریحاً میگویند " مسئول سازمان به هیچ کس جز خدا، حساب پس نمی دهد " .

۳- مسئول " شورای ملی مقاومت " مدعی است که دمکرات میباشد و برای دمکراسی و نقض حقوق بشر توسط رژیم جنایتکار حاکم بر ایران مبارزه میکند، از ایشان سؤال کنید، اساسنامه سازمانی که وی مدعی رهبریش بود (در ۴ شهریور ۷۳ کلیه دفاتر و تشکیلاتشان، در خارج کشور را باصطلاح منحل کرده و تمام افراد از جمله خودش جزو دفاتر کاندیدای رئیس جمهور " شورا . . ." قرار گرفتند) و بیش از ۲۹ سال از عمر مبارزاتیش میگذرد چیست ؟ مواد این اساسنامه کدامند ؟ ضوابط عضویت چه میباشد، کنگره سازمانی چند سال یکبار تشکیل میشود، انتخابات برای تعیین کادر رهبری چگونه است، و برای چه مدت انتخاب میشوند، طرح و تصویب استراتژی و موضعگیریهای سیاسی . . . در کنگره به چه شیوه است و چگونه انجام میشود ؟ . . .

باید بگویم هیچ ضوابط مدونی که وظایف و تکالیف اعضا، کادرها و مسئولین . . . را مشخص نماید، وجود ندارد، چرا که مسئول سابق سازمان با سؤاستفاده از موضع تشکیلاتی خود اجازه نداده بود، اساسنامه ای که وظایف سطوح سازمانی را مشخص میکند به وجود آید، چون وی میخواست مادام العمر مسئول سازمان باشد، و طرحها و برنامه های بیجه گانه اش که مواجه با شکست شده، موردحسابرسی و انتقاد قرار نگیرد، تا بخاطر بی لیاقتی و به انحراف کشیدن سازمان محاکمه، محکوم و از سازمان طرد شود، به همین دلیل است که انتقاد و انتقاد از خود که يك اصل شناخته شده در تمام سازمان های انقلابی است، در این فرقه یکطرفه و از بالا به پایین است تا وی بتواند مادام العمر مسئولیت تمام سازمانهای وابسته اعم از " شورا . . ." و ارتش آزادیبخش را هم چنان در دست خود حفظ کند.

و بهمین خاطر است که، مخالفین درون گروهی را با تحییب (دادن رده تشکیلاتی . . .)، یا با تهدید و انواع طرق ساکت میکند

واگر این شیوه ها نتوانست منتقد را ساکت کند زندان، شکنجه و یا با اعزام چماقदार سعی میکند قضیه را فیصله داده منتقد را ساکت نماید، تا به دامن رهبری !! ایشان گردی ننشیند .

در رابطه با پیوستن شما به " شورای ملی مقاومت " خبری شنیده ام و میخواهم از خود شما سؤال کنم ، تا صحیح و یا غلط بودن آنرا برایم روشن نمایم شنیده ام مسئولین " شورا ... " روزی که میخواستند موافقت شما را برای پیوستن به " شورای ملی مقاومت " بطور قطعی تمام کنند، يك چك ۴۰ هزار پوندى بشما در حضور آقای نوربخش، رئیس خانقاه " شاه نعمت اله ولی " ، در لندن داده اند، شما بخاطر علاقه تان به صوفی ها و عرفان، چك را به آقای نوربخش بعنوان هدیه واگذار کرده اید . آیا این خبر صحیح است یا نه ؟ مسئله دیگری که باید بدان اشاره کنم ، خیر دستگیری دخترتان خانم هنگامه امینی ، توسط ارتجاع غالب جنایتکارحاکم بر ایران میباشد در اطلاعیه ۱۱ آبان ۷۳ خود نوشته اید " يك زن بیگناه را برای وارد آوردن فشار روحی به مادر ۷۰ ساله اش ، که به جنبش مقاومت برای دمکراسی و حقوق بشر پیوسته است ، به بند کشیده اند " ، سپس از همه وجدانهای بیدار انسانی که تشنه آزادی و عدالت هستند، برای آزادی ایشان استمداد کرده اید

روزنامه نيمروز در دو شماره ۲۹۰ و ۲۹۱ خود در رابطه بادتگیری دخترتان دو خبر نوشته که آنها را مینویسم امیدوارم در اینمورد نیز مرا روشن نمایند، چون باید بگویم آدم شکاکى هستم و دلم میخواهد به حقایق آنطور که اتفاق افتاده است توجه کنم نه شایعات . در روزنامه نيمروز ۲۹۰ مورخ ۲۰ آبان ۷۳ نوشته " گزارشهای واصله از منابع نيمروز در ایران حاکی است که باز داشت خانم هنگامه امینی دختر مرضیه ، علیرغم آنکه از سوی شورای ملی مقاومت به دلایل سیاسی ، اعلام شده بود ، نتیجه يك شکایت خانوادگی بوده که طی آن محمود ملك افضلی برادر ناتنی هنگامه از او شکایت کرده بود که مقادیری از اموال مادر را نزد خود نگهداری کرده بی آنکه سهم او را از این اموال بدهد

بدنبال شکایت محمود ملك افضلی ، دادستانی انقلاب هنگامه امینی را برای ادای توضیحاتی احضار میکند و پس از بازجویی او را آزاد میسازد . "

خبر دیگر در نيمروز شماره ۲۹۱ مورخ ۲۷ آبان است . نوشته " هنگامه امینی دختر مرضیه روز جمعه گذشته خبر دستگیری خود توسط مأمورین دادستانی انقلاب را تکذیب کرد . رویتتر که این خبر را گزارش کرد ، از قول دختر مرضیه مینویسد آنها سئوالاتی در مورد مادرم از من کردند ، ولی اینکه مرا دستگیر کرده باشند اصلا صحت ندارد ... وی افزود هیچ مسئله و مشکلی وجود ندارد و من دارم زندگی خودم را میکنم " .

اگر اخبار روزنامه نيمروز درست باشد، فکر نمیکنید چون هم اکنون مسئله داغ سیاسی روز، یعنی درخواست سازمان " نظارت بر حقوق بشر خاور میانه " ، داشتن زندانها و شکنجه گاههای مسئولین " شورای ملی مقاومت " میباشد . لذا با پیش کشیدن این جنجال و مسائل دیگر ، و سکوت و رد درخواست سازمان " نظارت بر حقوق بشرخاور میانه " (میدل ایست و اج) ، در مورد بازدید از زندانها و شکنجه گاههای آنان ، همکاران جدیدتان میخواهندمسئله با این اهمیت را که به حیثیت و آبروی آنان بستگی دارد کم رنگ کرده و از روی آنتنهای رادیوها و تلویزیونها جمع کنند و افکار عمومی را متوجه مسائل دیگری نمایند ؟ .

خلاصه چه اخبار فوق درست باشد و چه نادرست ، همینکه دختر شما دیگر در چنگال ملا های جنایتکار حاکم بر ایران گرفتار نمیشد جای خوشحالی بسیار است ، امیدوارم آزاد بودن دخترتان این فرصت را همچنان بشما بدهد تا با خیال راحت تری به مبارزه بر علیه هر نوع ارتجاع ، اعم از معمم و مکلا به پردازید . باید تاکید کنم باید با خمینیسیم که خمینی ها را نیز شامل میشود مبارزه کرد ، نه تنها و فقط با خمینی ، فکر میکنم تجربه ملت ما درمبارزه با شاه ملعون خائن وابسته به بیگانگان و انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۵۷ ، و روی کار آمدن خمینی مرتجع کافی باشد . بنابراین باید توجه داشت که نا دانسته وسیله ای برای روی کار آمدن مرتجعین دیگری نباشیم .

از خداوند متعال برایتان در کار خیر و خدمت به خلق آرزوی موفقیت و پیروزی دارم .

والسلام علی من التبع الهدی

درد بر هرکه از هدایت و ارشاد پیروی کند

۲۱ - ۱۱ - ۹۴ = ۳۰ - ۸ - ۷۳

توضیح : این نامه به انضمام فهرست و اسناد با پست سفارشی ارسال میشود

آدرس برای تماس

PARVIZ

B. P. 13

: MERY SUR

OISE

95540

اسناد پیوست

- ۱ - نامه به آقایان دان برتون و روبرت ترسلی ، هواداران سینه چاک !! " شورای ملی مقاومت " در کنگره امریکا
- ۲ - قسمتی از روز نامه لوموند ۲۷ مارس ۸۶ در رابطه با زندانهای مسعود رجوی
- ۳ - اعلامیه هشدار به خلق ... در آستانه انقلاب ۲۲ بهمن ، و افشاکگری در مورد شکنجه و زندانی کردن مجاهدین توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت " مورخ ۲۲ بهمن ۶۶
- ۴ - متن قسمتی از مصاحبه با خبرنگار برگن و نماینده صلیب سرخ نروژ در رابطه با زندانیان سیاسی ایران در زندانهای رژیم و زندانهای مسعود رجوی ، مورخ ۱۳۶۵
- ۵ - جزوه ، با روشهای نوین مسعود رجوی ، برای رسیدن به هدف ، هر وسیله ای قابل توجیه است ، مورخ ۱۳۷۰ (در رابطه با همکاری همه جانبه باصطلاح ارتش آزادیبخش ملی یا نیروهای نظامی عراق ، درکشتار کردن عراقی)
- ۶ - اعضای سابق سازمان ، چماقداری نوین مسعود رجوی را محکوم می کنند ، مورخ ۱۳۷۱
- ۷ - ترور مخالفین ، توسط رژیم ارتجاعی ایران ، و نادیده گرفتن آن توسط دول پنهاننده پذیر ، مورخ ۱۳۷۱
- ۸ - بروز عینی ماهیت خمینی گونه رجوی (با گزارشی از زندانهای وی) ، مورخ ۱۳۶۵
- ۹ - استمداد برای نجات زندانیان و تبعیدیان گروه رجوی در عراق مورخ ۱۳۷۰
- ۱۰ - نامه سرگشاده تعدادی از پیشمرکه های مجاهد خلق به آقای منوچهر هزارخانی (در رابطه با زندانهای مسئول شورای ملی مقاومت ، در عراق) ، مورخ سال ۱۳۶۷
- ۱۱ - اعلامیه پیشمرگان مجاهد خلق در کردستان در رابطه با زندان و شکنجه مجاهدین توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت " مورخ ۵ تیر ۶۵
- ۱۲ - گزارش به خلق اعلامیه تعدادی از اعضای ... مجاهدین خلق که به تازگی به اروپا آورده شده اند ، در رابطه با زندان و شکنجه توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت " مورخ اواخر سپتامبر ۹۴
- ۱۳ - صفحه ۲۰ و ۲۱ جزوه " تحلیل در باره بحران خلیج فارس مورخ آبان ۶۹ " در رابطه با زندانی کردن علی زرکش جانشین مسئول شورای ملی مقاومت ، در یک سلول در آخرین طبقه پایگاه بقائی در بغداد ، و زندانی کردن پسر ۱۶ ساله سرهنگ بهزاد معزی در اطاقکی در اور - سور - اوآز ویلای آقای دکتر صالح رجوی ، روبروی اطاق مسئول شورای ملی مقاومت درسال ۱۳۶۲ .
- ۱۴ - صفحه ۱۰۸ کتاب " جمع بندی دوساله از انحرافات رهبری سابق " سازمان مجاهدین خلق ایران" (تاریخ انتشار ۱۳۶۵) در رابطه با دستور اعدام سه نفر از اسرای وابسته به رژیم ، که یکی از اسرا پسر بچه ای ۱۵ ساله بوده ، بدستور مستقیم مسئول شورای ملی مقاومت و اجرای حکم و پر کردن نوار از تمامی مراسم و اعتراض و انتقاد شدید کتبی نویسنده در تاریخ ۵ اسفند ۶۱ به محمد حیاتی که وی اکنون یکی از اعضا شورا ... میباشد .
- ۱۵ - فتوکپی نامه سرگشاده خانم فریبا هشترودی ، عضو شورای ملی مقاومت ، به " دبیرانان حقوق بشر " مندرج در نشریه ایران زمین شماره ۱۲ مورخ آبان ۷۳ ، ارگان رسمی شورای ملی مقاومت ، که ایشان در این نامه علاوه بر فحاشی های متداول " شورائین " به مخالفین اصولیشان ، کسانی که به حمایت زندانیان و شکنجه شدگان مسئولین شورای ملی مقاومت برخاسته اند ، تهدید رسمی و مکتوب نموده ... و در ضمن صریحا نوشته ، باین اعمال (زندان و شکنجه کردن ...) ادامه خواهیم داد .
- ۱۶ - اطلاعیه " فراخوان به سازمانهای مدافع حقوق بشر ومطبوعات و رسانه های خبری " با امضا ۱۴ تن که بعضا در دادگاههای مسؤل شورای ملی مقاومت محکوم باعدام شده ویا از ۶ ماه تا ۳ سال درزندانهای با ابعادی ، به اندازه قبر و قفس زندانی بوده اند ، و اعلام آمادگی برای بیان موارد نقض حقوق بشر و افشای نام و آدرس خانه های امن در شهر بغداد و زندانها و شکنجه گران و بازجویان و چماقداران ، چه در عراق و چه در سطح اروپا ، بطور زنده ومستقیم تا عموم مردم به موارد بالا پی ببرند . (مورخ ۳۱ اکتبر ۹۴ برابر با ۹ آبان ۷۳ یا دو آدرس و یک شماره تلفن و فاکس) .
- ۱۷ - اعلامیه سز استفاده های مسئولین "شورای ملی مقاومت " از اطفال معصوم
- ۱۸ - فتو کپی صفحه ۱۳ روزنامه جبهه ملیون ایران شماره ۱۰۰ مورخ مرداد ۶۶ که خلاصه ای از نامه مجاهدین به مقامات بین المللی را بطور ناقص و تحریف شده منعکس نموده است در رابطه با(اسامی زندانیان گروه رجوی در زندانهای عراق)
- ۱۹ - جزوه نتیجه ده سال مقاومت و پایداری بر اصول مورخ نیمه شهریور ۷۳
- ۲۰ - جزوه تصمیمات رندانه کوسه ، ریش پهن مسئول شورای ملی مقاومت مورخ ۳ مهر ۷۳
- ۲۱ - اعلامیه فراخوان و استمداد از وجدانهای بیدار و آزاده مورخ ۱۹ مهر ۷۳ در رابطه با(درخواست از تمام کسانی که توسط مسئولین شورای ملی مقاومت زندانی و شکنجه شده اند ، جهت ارسال نامه به سازمان " نظارت بر حقوق بشر در خاورمیانه " در رابطه با شکنجه و زندانی شدنشان به سازمان مذکور)
- ۲۲ - فتوکپی صفحه ۴ روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۱۶ آبان ۷۳ شماره ۳۴۵ در رابطه با (ترجمه مقاله لوموند تحت عنوان سازمان مجاهدین خلق آلت فعل موساد در استرالیا ، در حمله به سفارتخانه های ایران)
- ۲۳ - اعلامیه قتل و کشتار مردم بیگناه و تحت ستم ایران را ، حکومت ملایان جنایتکار با مصوبه ای جنبه قانونی میدهندمورخ ۱۵ آبان ۷۳